

فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین

(نشریه علمی)

دوره جدید - سال پنجم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۸ - شماره پیوسته ۲۴

طبقه‌بندی موضوعی چیستان‌های لای‌زنگان داراب بر اساس ژرف‌ساخت

(ص ۱۷-۳۴)

حسن رنجبر^۱

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۱۵

چکیده

لای‌زنگان روستایی کوهستانی با آب و هوایی نیمه سردسیری، از توابع داراب استان فارس است. گویشوران این روستا به گویشی نیمه‌لری سخن می‌گویند. نگارنده در جستار پیش‌رو به صورت میدانی از راه مصاحبه و گفت‌وگو با گویشوران این خطه، به گردآوری و ثبت و ضبط برخی چیستان‌های لای‌زنگانی پرداخته، سپس آن‌ها را با توجه به ژرف‌ساخت‌شان، طبقه‌بندی موضوعی کرده است. این جستار نتایج بسیاری در پی داشت؛ به عنوان مثال: ۱- اغلب چیستان‌های این روستا دربرگیرنده علوم و معارف بشری است که هدف غایی در آن‌ها تعلیم و آموزش به نوجوانان و جوانان است. از میان این گروه از چیستان‌ها به آموزش مسایل دینی توجه بیشتری شده است. ۲- با توجه به موقعیت جغرافیایی و فرهنگ مردم این روستا، در بسیاری از چیستان‌های این گویش، عناصر بومی این روستا بسیار پویاست. ۳- چیستان‌های منظومی که در این گویش به کار می‌روند از سایر گویش‌ها و لهجه‌ها به این گویش راه یافته‌اند. ۴- ساختار و چینش واژه‌ها در برخی از چیستان‌های این روستا به گونه‌ای است که در نگاه اول توهین و ناسزا به نظر می‌رسند اما با آشکار شدن پاسخ، این گمان برطرف می‌شود.

کلمات کلیدی: گویش لای‌زنگانی، چیستان، طبقه‌بندی.

۱. مقدمه

فرهنگ مردم یا فرهنگ عامه صورت واقعی و سانسورنشده فرهنگ هر ملت است. در فرهنگ رسمی ملت‌ها به‌ویژه ادبیات رسمی ملل، شاهد انواع تصنع، تکلف و حفظ احترامات و رعایت ادب هستیم در حالی که اگر به سراغ فرهنگ و ادب عامه آن ملت برویم هیچ نشانی از این تصنع، تکلف و از همه مهم‌تر احترام و ادب ساختگی و ظاهری، نمی‌یابیم و درست همین نکته است که اهمیت این بخش از فرهنگ هر قوم و ملت را مشخص می‌کند. فرهنگ مردم خود شامل گونه‌های زیادی از جمله قصه، ضرب‌المثل، بومی‌سروده‌ها، چیستان‌ها، آداب و رسوم، باورها و... می‌شود. علاوه بر این‌ها باید از مواردی چون ساخت‌های آوایی و مباحث دستوری از قبیل آواها، صوت‌ها، ویژگی‌های دستگاه فعلی و... نیز یاد کرد.

«انسان‌شناسان و مردم‌شناسان، فولکلور (folklore) را در دو معنا به کار می‌برند: یکی در معنای وسیع که شامل تمام ادبیات روستایی و جامعه ابتدایی است. که در این مفهوم به فرهنگ قومی نزدیک است. دوم به معنای محدود که مشتمل بر اسطوره‌ها، باورها، ادبیات و روایت‌های رایج و غیر مکتوب است» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۷۴). نکته دیگری که باید بدان اشاره شود این است که «در ایران، اکثر کسانی که با علم فولکلور سر و کار دارند، اصطلاح فولکلور را فرهنگ عامه ترجمه می‌نمایند؛ ... اما به نظر می‌رسد که استفاده از اصطلاح فرهنگ مردم، مناسب‌تر از به کار بردن فرهنگ عامه باشد؛ زیرا عامه و عوام در مقابل خاصه و خواص در فارسی معنای خاصی دارد و به یک طبقه مشخص از نفوس ایرانی اشاره می‌کند؛ در حالی که واژه مردم عام‌تر و کلی‌تر بوده، همه نفوس ایرانی را اعم از غنی و فقیر و باسواد و بی‌سواد، در برمی‌گیرد» (امیدسالار، ۱۳۶۵: ۳۷ و ۳۸). نگارنده در این پژوهش به بررسی و طبقه‌بندی چیستان‌های لای‌زنگان داراب پرداخته است و ملاک طبقه‌بندی این چیستان‌ها را ژرف‌ساخت آن‌ها قرار داده است.

«لای‌زنگان» نام روستایی در استان فارس است که در ۵۴ کیلومتری شرق شهرستان داراب واقع شده است و امروزه حدود دو هزار نفر جمعیت دارد. این روستا از مناطق کوهستانی و سردسیر رشته‌کوه‌های جنوبی زاگرس در استان فارس است (نک: مصاحب، ۱۳۸۷: ۲۴۸۲). به گفته برخی از گویشوران کهنسال، این روستا در آغاز گیرنشین بوده است سپس افرادی از نقاط مختلف به این روستا آمده و ساکن شده‌اند (نک: رنجبر، ۱۳۹۴: ۲ و ۳).

نام این روستا در آغاز، «لای‌سنگو» یا «لای‌سنگون» بوده است که بعداً به لای‌زنگان تغییر یافته است (نک: صیادکوه و رنجبر، ۱۳۹۲: ۱۰۱). برخی افراد کهنسال روستا بر این باورند که نام قدیم‌تر این روستا «لی‌زر» (loy-zaru) بوده است (نک: سلامی، ۱۳۹۰: ۴۴). همچنین برخی روایت می‌کنند که به این روستا، «بوزگیری» نیز می‌گفته‌اند. «بوزگیری» را در برخی از اسناد قدیمی می‌توان مشاهده کرد (رنجبر، ۱۳۹۸:

۹. طایفه‌هایی که در این روستا زندگی می‌کنند، طی سال‌های متمادی به این روستا آمده و ساکن شده‌اند و چون این طایفه‌ها از نقاط مختلفی به این روستا آمده‌اند بسیاری از گویش‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها به هم آمیخته‌اند و گویشی غنی را پدید آورده‌اند (نک: رنجبر و باقری، ۱۳۹۵: ۱۱). شغل مردم این روستا در گذشته‌ای نه چندان دور، محدود به دامداری و باغداری به شکل دیم می‌شد (نک: رنجبر و حیدری، ۱۳۹۴: ۳۹۱).

این روستا در فارس‌نامه ناصری چنین توصیف شده است: «معادن داراب دهاتی باشد که در کوهستان افتاده است و همه آن‌ها سردسیری و در زمستان برف‌نشین است و ناحیه آن معادن در جانب شرق شهر داراب افتاده، مانده معدن ارم و معدن برفدان و معدن خفر و گنبد و معدن لای‌زنگو و معدن نوایگان... معیشت اهالی این معادن همه از میوه‌های تر و خشک سردسیری و مویز و غنچه خشک گل سرخ است که همه حمل هندوستان کنند» (حسینی فسایی، ۱۳۶۷: ۱۳۱۸).

۱-۱. روش پژوهش

در این پژوهش، مطالب به صورت میدانی و با روش گفت‌وگو و مصاحبه با گویشوران این روستا به دست آمده است. پس از گردآوری مطالب به بررسی و طبقه‌بندی چیستان‌ها بر اساس ژرف‌ساخت آن‌ها پرداخته شده و برای هر کدام از طبقه‌ها شاهد مثال‌هایی ذکر گردیده است. همچنین به روش کتابخانه‌ای، مطالبی در مورد این روستا و گونه عامیانه چیستان‌ها به دست آمده و برای روشن‌تر شدن موضوع در اختیار مخاطبین قرار گرفته است.

۱-۲. پیشینه پژوهش

از گذشته تاکنون پژوهش‌های بسیاری در مورد «چیستان» شده است. تا جایی که نگارنده می‌داند و سراغ دارد در کتب قدیم به طور پراکنده به این موضوع پرداخته‌اند. برای نمونه می‌توان به کتاب «المعجم فی معاییر اشعار العجم» اشاره کرد. اما طی چند دهه اخیر کتاب‌ها و مقاله‌های زیادی پیرامون «چیستان» به شکلی اختصاصی نوشته شده است، از جمله مقالات زیر:

«چیستان‌های عامیانه دری» از اسدالله شعور، ۱۳۶۰

«ریخت‌شناسی چیستان‌های محلی منظوم» از حسن ذوالفقاری، ۱۳۹۲

«طبقه‌بندی موضوعی چیستان‌های عامیانه ایلامی» از علیرضا شوهانی، ۱۳۹۳

۲. بحث

چیستان که مرکب از «چیست و آن» است؛ سؤال از چیزی است با دادن نشانی‌های آن به گونه‌ای که جواب دادن به آن مشکل باشد (نک: عمید، ۱۳۸۷: ۵۵۰). «چیستان را لُغز و اغلوپه نیز گویند» (معین، ۱۳۸۵: ۴۵۳). و چون چیستان گاهی با «چیست آن؟» آغاز می‌شود بدین اسم معروف شده است (نک: شمیسا، ۱۳۸۹: ۲۶۶). در فرهنگ و ادب فارسی دو نوع چیستان رواج داشته است: الف-چیستان‌های مکتوب ب-چیستان‌های شفاهی که از گذشتگان سینه به سینه نقل شده است (نک: تمیم‌داری، ۱۳۹۰: ۸۴). چیستان در فرهنگ ایران قدمتی دیرینه دارد. از فرهنگ ایران باستان، چیستان‌هایی به صورت مکتوب به ما رسیده است (نک: ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۹۷) از میان قدما کسی که تعریفی از چیستان یا لُغز به دست داده است شمس قیس رازی در کتاب المعجم فی معاییر اشعار العجم است:

«لُغز آن است که معنی‌ای از معانی در کسوت عبارتی مشکل متشابه به طریق سؤال بیرسند و از این جهت در خراسان آن را چیست آن خوانند. این صفت چون عذب و مطبوع افتد و اوصاف آن از روی معنی یا مقصود مناسبی دارد به حشو الفاظ دراز نگردد و از تشبیهات کاذب و استعارات بعید بود پسندیده باشد» (شمس قیس رازی، ۱۳۶۰: ۴۲۶).

به سخن ساده‌تر، چیستان آن است که فرد چیزی را در نظر می‌گیرد و پیرامون اوصاف آن به کمک تشبیه، استعاره و... سخن می‌گوید و نهایتاً آن را به شکل سؤالی در می‌آورد و از مخاطب خود می‌خواهد که آن چیز (= پاسخ) را کشف کند.

چیستان‌های منظوم در هر نقطه از ایران و مناطق فارسی‌زبان به نامی خوانده می‌شود؛ مثلاً در میناب ← بر، فین بندرعباس ← چنچن، ایلام ← چوچه و... (نک: ذوالفقاری، ۱۳۹۶: ۲۶۵).

در گویش لای‌زنگانی به چیستان «معما»، «مسئله»، «سؤال» و «چیستان» می‌گویند. همه چیستان‌های این گویش را با اندکی تسامح می‌توان نثر دانست. هرچند که در این گویش تعداد شاعران -بویژه دویستی‌سرایان- نسبتاً زیاد است اما آن‌ها در میان اشعار خود به چیستان نپرداخته‌اند.

در این جستار، نگارنده کوشیده است تا چیستان‌های این گویش را بررسی کرده و آن‌ها را بر اساس موضوع، دسته‌بندی کند. همچنین نشان دهد که این چیستان‌ها پیرامون چه بخش‌هایی از زندگی مردم این روستا شکل گرفته و به وجود آمده‌اند.

۲-۱. طبقه‌بندی چیستان‌های لای‌زنگان بر اساس ژرف ساخت آن‌ها

اگرچه در این پژوهش ملاک دسته‌بندی چیستان‌ها را موضوع آن‌ها قرار داده‌ایم اما لازم است که عمده‌ترین ویژگی‌های این چیستان‌ها به ویژه تکنیک‌های شکل‌گیری نیز بیان شود:

الف) استفاده از عناصر بومی این روستا؛ مانند ۱- تشبیه پستان گوسفند به کولینه kuli:na که ظرف نگهداری روغن است. ۲- تشبیه دندان به کُله اِشکَفت kola eškaf (= غار کوچک). ۳- به کاربردن آوای هُو هُو hōhō.

ب) بیشتر چیستان‌های این گویش با تأکید بر آموزش و تعلیم به وجود آمده‌اند. در این پژوهش، گروه هفتم به این دسته از چیستان‌ها اختصاص یافته است.

ج) به کار بردن جواب چیستان در لابه‌لای چیستان؛ مانند:

چیه که دو در هوا، چار در زمین، ای خر بزه؟

či-ye ke do dar havâ çâ:r dar zamin ey xar boz-e

برگردان: چیست که دو در هوا، چهار در زمین، ای خر، بز است؟

جواب این چیستان «بز» است. در واقع این چیستان را باید «چیست که دو در هوا، چهار در زمین» دانست که افزوده شدن «ای خر! بزه» در پایان آن، بر جذابیتش افزوده است. علاوه بر این، قرابت واژه «خر» با «بز»، واژه «خر بزه» را نیز در ذهن مخاطب پدیدار می‌کند.

د) یکی از مهم‌ترین نکته‌ها این است که برخی از چیستان‌ها در نظر اول توهین یا ناسزا به نظر می‌رسند ولی با آشکار شدن جواب، این گمان برطرف می‌شود. شاید هم افرادی به عمد چنین چیستان‌هایی را ساخته باشند تا هنگامی که می‌خواهند کسی را بیازارند از آن‌ها استفاده کنند.

هـ) در برخی از چیستان‌ها چندین مجهول تعبیه شده است و مخاطب باید به دنبال چندین جواب باشد؛ مانند:

یه قَلَّهٔ کوبیی هَه هَف چِشمهٔ اُو داره: یکیش شیرینه، دوتاش بَد مَرَّهٔی، دوتاش شوره، دوتاش تلخه.

ya qoll-ey ku:-yi ha: haf češma dâ:r-e : yeki-š širin-e do-ttâ-š bað-maze-y do-ttâ-š
šu:r-e do-ttâ-š talx-e

برگردان: یک قلّه کوهی هست، هفت چشمه دارد: یکی از آن شیرین است، دوتای آن بدمزه است، دوتای آن شور است، دوتای آن تلخ است.

جواب: منظور از قلّه، سر آدمیزاد است و چشمه‌های آن عبارتند از: دهان (شیرین)، دو سوراخ بینی (بد مزه)، دو چشم (شور)، دو گوش (تلخ).

و) غالب چیستان‌های این گویش با «چیه که؟» و «او چیه که» آغاز می‌شود.

۲-۱-۱. گروه اول: حیوانات

این گروه شامل چیستان‌هایی می‌شود که مربوط به حیوانات، فرآورده‌های حیوانی و اجزای حیوانات است. از آن‌جا که از گذشته تاکنون، شغل اکثر مردم این روستا باغداری و دامداری بوده است (نمیرانیان

و دیگران، ۱۳۹۴: ۴)؛ در ابتدا به نظر می‌رسد که غالب چیستان‌های این گویش مربوط به این دو حوزه باشد لیکن چنین نیست و تعداد اندکی از چیستان‌های این گویش در این دو گروه جای می‌گیرد. نمونه‌هایی از چیستان‌های این گروه:

۱- چیه که کولینه‌ی سُوزِ غَرغَشی، سرش آشی، نمی‌ریزه؟

či-ye ke kuli:ne-y sôz-e ɣarɣaši sar-eš a ši: nemi-ri:z-e?

برگردان: چیست که کوزه‌ی روغنِ سبز رنگِ محکم، سر آن پایین است اما نمی‌ریزد؟
جواب: پستان گوسفند.

۲- چیه که نَرَمِنو، تو زِرَوِنو، زِرَوِنو بارِ گِلِگِلو، گِلِگِلو را مِرِوِه؟

či-ye ke narmenu, to zervenu, zervenu bâ:r-e gelgelu, gelgelu râ: mi-rave?

برگردان: چیه که نَرَمِنو (نرم) در زِرَوِنو (زبر و خشن)، زِرَوِنو بارِ گِلِگِلو، گِلِگِلو راه می‌رود؟
جواب: نَرَمِنو زرده‌ی تخم مرغ است، زِرَوِنو پوست تخم مرغ است و گِلِگِلو مرغ است.

۳- چیه که دو در هوا، چار در زمین، ای خر بُزه؟

či-ye ke do dar havâ çâ:r dar zamin ey xar boz-e?

برگردان: چیست که دو در هوا، چهار در زمین، ای خر بزه؟
جواب: بز. دو شاخ در هوا دارد و چهار دست و پا در زمین.
این چیستان در فرهنگ مردم یزد نیز به صورت «دو در هوا، چار در زمین، ای خر بُزه» به کار می‌رود
(دانایی، ۱۳۹۱: ۶۱)

۴- چیه که سر قُطین، ثمر قُطین، دو رنگ دُاریم، تو یی قُطین؟

či-ye ke sar qotin, samar qotin, do rang dâr-im, to yay qotin?

برگردان: چیست که سر قوطی، ثمر قوطی، دو رنگ داریم در یک قوطی؟
جواب: تخم مرغ.

۵- چیه که آ ایژا ته کُاشون، زلزله پُاشون؟

či-ye ke a i:-žâ ta kâšun, zelzela pâšun?

برگردان: چیست که از این جا تا کاشان، زلزله پاشان؟
جواب: مورچه‌ها. چون مورچه‌ها پراکنده هستند و در همه جا یافت می‌شوند.

۶- چیه که آچا در او مڊ، حُاجی جعفر، دو چشم نَلگِسی، دو کُنه بر سر؟

či-ye ke a čâ: dar-umaδ, hōji ja:far, do čašm-e nalgesi, do konna bar sar?

برگردان: چیست که از چاه بیرون آمد، حاجی جعفر، دو چشم نرگسی، دو کُنده بر سر؟
جواب: بز کوهی. منظور از دو کُنده، شاخ‌های آن است.

۷- چیه که سرش آ شیه، پَن نمیشه؟

či-ye ke sar-eš a ši-ye pa:n nemi-še?

برگردان: چیست که سر آن به طرف پایین است، نمی‌ریزد؟
جواب: پستان گوسفند.

۲-۱-۲. گروه دوم: گیاهان

در این گروه، چیستان‌هایی قرار می‌گیرند که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به گیاهان مربوط می‌شوند. برخی از گیاهان از جمله انجیر از عناصر بومی این روستا به شمار می‌روند و مردم از دیرباز آن‌ها را در زندگی خود داشته‌اند و با آن‌ها زیسته‌اند. از این رو با چگونگی آن‌ها در تمام فصول سال آشنا هستند و بدین علت است که با دیدن چهرهٔ این گیاهان در فصول مختلف، دست به خلق چیستان‌هایی از این قبیل زده‌اند. در این میان برخی از گیاهان، میوه‌ها و سبزی‌ها را مردم این روستا کشت نمی‌کرده‌اند و آن‌ها را از شهرها و روستاهای اطراف به این روستا می‌آورده‌اند و اگر چیستانی مربوط به این گیاهان، میوه‌ها و سبزی‌ها می‌بینیم به احتمال زیاد از گویش‌ها و لهجه‌های دیگر وارد این گویش شده است و به مرور زمان با این گویش هماهنگ گردیده است. می‌توان در جستاری دیگر این دسته از چیستان‌ها را ریشه‌یابی کرد و هویت آن‌ها را مشخص نمود. نمونه‌هایی از چیستان‌های این گروه:

۱- چیه که زرد زرد زَبَره، زیر زمین مُتَبَره، کُلا سبزی شَسَره؟

či-ye ke zard-e zard-e zebra-e, zi:r-e zamin mo:tabar-e, kolâ: sabz-i ša-sar-e?

برگردان: چیست که زرد زرد است، زیر زمین معتبر است، کلاه سبزی بر سر اوست؟
جواب: هویج.

یاوری و عابدینی این چیستان را این‌گونه آورده‌اند: «سر زردم و زبرم، زیر زمین معتبرم، کلاه سبزی به سرم» (یاوری، عابدینی، ۱۳۸۸: ۱۲۴).

این چیستان در فرهنگ مردم یزد نیز کاربرد دارد: «زردم، زبرم، کلاه سبزی به سرم، زیر زمین معتبرم؟» (دانایی، ۱۳۹۱: ۶۲)

۲- چیه که درخت سبز زیبا خدا نی آفریده؟

či-ye ke deraxt-e sabz-e zi:bâ xoðâ ney â:fari:ð-e?

برگردان: چیست که درخت سبز زیبا خدا نی آفریده؟
جواب: نی. باید هنگام بیان، نی آفریده را به گونه‌ای بیان کرد که نیافریده (خلق نکرده) به نظر برسد.

۳- چه درختی که سُوز نمیشه، ثمر ایزه؟

če deraxt-i ke sôz nemi:-še, samar i:-ðe?

برگردان: چه درختی است که سبز نمی‌شود و میوه می‌دهد؟
جواب: بیدمشک. قبل از برگ درآوردن، میوه می‌دهد.

۴- چه درختی که آگل نمیا، ثمر ایزه؟

če deraxt-i ke a gol nemi-yâ, samar i:-ðe?

برگردان: چه درختی است که شکوفه نمی‌دهد و میوه می‌دهد؟
جواب: انجیر.

۳-۱-۲. گروه سوم: انسان

چیستان‌هایی در این گروه قرار می‌گیرد که مربوط به انسان، اجزای بدن، حالات انسان و وابسته‌هایی چون سایه، رد پا و... می‌شود. نمونه‌هایی از چیستان‌های این گروه:

۱- یه قُلّه‌ی کویی هه هَف چشِمه‌ی او داره: یکیش شیرینه، دو تاش بَد مَرّه‌ی، دو تاش شوره، دو تاش تلخه.

ya qoll-ey k:uyi ha: haf çešma dâ:r-e yeki-š širin-e do-ttâ-š bað maze-y do-ttâ-š šu:r-e do-ttâ-š talx-e?

برگردان: یک قلّه کوهی هست، هفت چشمه دارد: یکی از آن شیرین است، دو تاش آن بدمزه است، دو تاش آن شور است، دو تاش آن تلخ است.

جواب: منظور از قلّه، سر آدمیزاد است و مراد از چشمه‌های آن: دهان (شیرین)، دو سوراخ بینی (بد مزه)، دو چشم (شور)، دو گوش (تلخ) است.

۲- چیه که آ کو ایفته هیچی شنمیشه، اینی شتو کله ایشگفت، یچ ایشه؟

či-ye ke a ku: i-ft-e hičči ša-nemi:-še, i:-n-i ša-to kola-eškaft, pač i:-še?

برگردان: چیست که از کوه می‌افتد و آسیبی نمی‌بیند، آن را در غار کوچک قرار می‌دهی، می‌شکند؟
جواب: بته (پسته کوهی) است و منظور از کله ایشگفت، دندان است.
این چیستان را می‌توان در گروه دو نیز قرار داد اما چون در ژرف ساخت تأکید بر محکمی و قدرت دندان انسان دارد، در این گروه ذکر شد.

۳- چیه که هرچی ایری و آ همراسته؟

či-ye ke har-či i:-r-i-yo a ham-râ:-t-e?

برگردان: چیست که هر قدر می‌روی، همراه توست؟
جواب: سایه.

۴- چیه که هرچی ایری و ول ایشه؟

či-ye ke har-či i:r-i-yo vel i:-še?

برگردان: چیست که هر قدر می‌روی و به جا می‌ماند؟
جواب: رد پا.
یاوری و عابدینی این چیستان را چنین آورده‌اند: «آن چیست که من می‌روم و او می‌ماند؟» (یاوری، عابدینی، ۱۳۸۸: ۱۲۳).

۵- چیه که گو زرد آ کمر اُفتیذ، هُو هُو ش آ خَشَم اُفتیذ؟

či-ye ke gô-e zard a kamar ofti:ð, hôhô-eš a xašam ofti:ð?

برگردان: چیست که از کمر (صخره) افتاد، سر و صدایش در روستا افتاد؟
جواب: منظور از گاو زرد، خورشید است که هنگامی که از کوه بیرون می‌آید، نورش به روستا می‌افتد.
هُو هُو (hôhô) در این گویش، آوای پارس کردن سگ است و می‌توان آن را در این جا معادل هممه و سر و صدای مردم قرار داد؛ چراکه با بیدار شدن مردم و صدای آن‌ها سکوت می‌شکند. این چیستان در ژرف ساخت خود اشاره به جریان زندگی، تحرک و اشتغال مردم دارد.

۶- چیه که ئی سرش هَرّه، او سرش هَرّه، میونش دُمّه ئی بَرّه؟

či-ye ke i sar-eš harra, u sar-eš harra, meyu:n-eš dome-y barra?

برگردان: چیست که این سرش اژه، آن سرش اژه، میانه‌اش دنبه بَرّه؟

جواب: منظور از این سر و آن سرش اژه، دندان است و منظور از دنبه بَرّه، زبان است.

یاوری و عابدینی این چیستان را این‌گونه ضبط کرده‌اند: «این سر کوه اژه اژه، آن سر کوه اژه اژه، میان

کوه، گوشت بَرّه» (یاوری و عابدینی، ۱۳۸۸: ۱۲۰).

۴-۱-۲. گروه چهارم: هنرها و مشاغل انسان

چیستان‌های این گروه شامل هنرها، استعدادها و مشاغل انسان می‌شود. تعداد چیستان‌های این گروه انگشت‌شمار است. یافتن جواب در این دسته از چیستان‌ها دشوارتر و دور از ذهن‌تر از گروه سوم است. دلیل هم این است که مانند اجزای بدن ملموس نیست و نیز آن‌چه مجهول است چیزی نیست که همگان با آن در ارتباط باشند. نمونه‌هایی از چیستان‌های این گروه:

۱- چیه که ده بر دُور، سر بر ..ن، ...ن بر زمین؟

či-ye ke da: bar dôr, sar bar kun, kun bar zamin?

برگردان: چیه که ده بر دور آن، سر بر ..ن، ...ن بر زمین؟

جواب: حالت نشستن کسی که دارد شیر می‌دوشد. ده انگشتش به دور پستان گوسفند است. چون پشت گوسفند می‌نشیند، سرش روبه‌روی مقعد حیوان است و چون نشسته است، نشیمن‌گاهش روی زمین است.

۲- چیه که آ چا در او مد نر پلنگ، اُستای دَسش همه رنگ؟

či-ye ke a çâ: dar-umað nar-palang ostâ:-ye dass-eš hama rang?

برگردان: چیست که از چاه بیرون آمد پلنگ نر، استاد دستش همه رنگ؟

جواب: بافنده، کسی که قالی، گلیم و... می‌بافد.

۵-۱-۲. گروه پنجم: ابزار و صنایع

این گروه مربوط به هر نوع ابزار و وسیله‌ای می‌شود که بشر آن را ساخته باشد؛ مانند صنایع دستی و... امروزه نسل حاضر با بسیاری از وسایل و صنایعی که پدرانشان در گذشته استفاده می‌کرده‌اند بیگانه‌اند، در نتیجه اگر برخی از چیستان‌های این گروه مانند شماره ۴، ۶ و ۱۰ را برای نسل حاضر مطرح کنیم هرگز جواب آن را نخواهند یافت. نمونه‌هایی از چیستان‌های این گروه:

۱- چیه که ئی سرش الماس، او سرش الماس، زوون ترکی، خدا مشناس؟

či-ye ke i sar-eš almâ:s, u sar-eš almâ:s, zavun torki, xoðâ mašnâ:s?

برگردان: چیست که این سرش الماس (آهن)، آن سرش الماس (آهن)، زبان ترکی، خدا نشناس؟
جواب: تفنگ. به این دلیل زبان ترکی و خدانشناس می‌گویند که وقتی ماشه کشیده شود، لوله تفنگ به سمت هر کس که باشد، کشته می‌شود. بزرگ و کوچک و... نمی‌شناسد.

۲- چیه که درش تنگ و مَلومَت، بُنیش سرخ و قیومَت، سُئل ایزنی، سفت آدر ایاری، صلوات بر محمد؟

či-ye ke dar-eš tang-o malu:mat bon-eš sorx-o qeyu:mat šol i-zan-i seft a dar i-yor-i salavât bar mohammað?

برگردان: چیست که در آن تنگ و ملامت (؟)، بُن آن سرخ و قیامت، نرم می‌زنی، سفت بیرون می‌آوری، صلوات بر محمد؟

جواب: تنور نانواپی. خمیر نرم در آن می‌گذارند و نان سفت از آن بیرون می‌آورند.

۳- چیه که تش دریا، کمرش خُشکی، بالاش تش؟

či-ye ke ta:-š daryâ kamar-eš xoški bâ:lâ-š taš?

برگردان: چیست که ته آن دریا، کمر آن خشکی و بالای آن آتش است؟
جواب: قلیان.

۴- چیه که آ همزا اُفتیزده، او رنگو آ قینش آدر ایشه؟

či-ye ke a hom-žâ ofti:ð-e ô-rangu a qi:n-eš a dar-i:-še?

برگردان: چیست که همان‌جا افتاده، آب رنگی از... نش بیرون می‌رود؟

جواب: مَشک رنگی، مَشک پوستی. وقتی می‌خواهند از پوست گوسفند، مشک آماده کنند، چیزهایی مثل پوست انار و... را با آب در آن می‌ریزند و در آفتاب می‌گذارند.

۵- چیه که آ آسمون ایفته هیچی شَنِمیشه اینازی شَتو اُ یِچ ایشه؟

či-ye ke a â:samun i-ft-e hičči ša-nemi:-še i-nəz-i ša-to ô pač i:-še?

برگردان: چیست که از آسمان می‌افتد آسیبی نمی‌بیند، آن را در آب می‌اندازی، می‌شکند؟

جواب: کاغذ.

۶- چیه که آ چا در اومذ، هَلَم هَلَم، مُشِیله شَدَم؟

či-ye ke a čâ: dar-umað halom halom mošeyla ša-dom?

برگردان: چیست که از چاه برون آمد، هَلَم هَلَم (?)، چیزهایی در بی و به دنبال او؟

جواب: دوک.

۷- چیه که سَرش پَن، بُنش باریک؟

či-ye ke sar-eš pa:n bon-eš bərik?

برگردان: چیست که سر آن پهن و بُن آن باریک است؟

جواب: کفگیر.

۸- چیه که چارتا دَس و پا داره، با کمرش آ را ایره؟

či-ye ke čâ:r-tâ dass-o pâ dâ:r-e bâ kamar-eš a râ: i:-re?

برگردان: چیست که چهار دست و پا دارد، با کمرش راه می‌رود؟

جواب: (مَشک شیر) که از پوست گوسفند می‌سازند.

۹- چیه که نه دس داره، نه پا داره، خَوَر آ همه جا داره؟

či-ye ke na das dâ:r-e na pâ dâ:r-e xavar a: hama jâ dâ:r-e?

برگردان: چیست که نه دست دارد، نه پا دارد، خبر از همه جا دارد؟

جواب: نامه.

یاوری و عابدینی این چیستان را این‌گونه آورده‌اند: «نه دست دارد، نه پا دارد، از همه جا خبر دارد» و

جواب آن را «باد» ذکر کرده‌اند (یاوری، عابدینی، ۱۳۸۸: ۱۱۹).

این چیستان در فرهنگ مردم داریون نیز آمده است: «نه دس داره نه پا داره همه جا خبر داره؟ (بذرافکن، ۱۳۸۹: ۲۵۶)

۱۰- چیه که سرش آدومن ایگنی پُره، سرش آبالا ایگنی خُالیه؟

či-ye ke sar-eš a du:man i-kon-i por-e, sar-eš a bâ:lâ i-kon-i xâli-ye?

برگردان: چیست که وقتی سر آن را به طرف پایین قرار می‌دهی پُر است و وقتی سر آن را به طرف بالا می‌کنی خالی است؟

جواب: کلاه.

۱۱- چیه که سه گُلنگ اومذ نِشس، دَم فُراخ آ ریش نِشس، دُم دُراز آ توش نِشس؟

či-ye ke so golong umað nešes dam-forâx a ri:-š nešes dom-dorâ:z a tu:-š nešes?

برگردان: چیست که سه گُلنگ آمد نشست، دَم (دهان) گشاد روی آن نشست، دُم دراز در آن نشست؟
جواب: منظور از سه گُلنگ، سه‌پایه‌ای است که در آتش می‌گذارند و قابلمه، کتری و... را روی آن قرار می‌دهند. منظور از دَم (دهان) گشاد، قابلمه است و منظور از دُم‌دراز، کفگیر است.

این چیستان در فرهنگ مردم کهگیلویه و بویراحمد به صورت زیر آمده است:

«سه گل‌آزش نِشس، کپ فراخ سَرش نِشس، دُم باریک مِش نِشس.

به فارسی رسمی: سه کلاغ زیر آن نشست، دهان‌گشاد روی آن نشست، دم باریک درون آن نشست.

جواب: سه‌پایه، دیگ دهان‌گشاد و کف‌گیر آن» (طاهری بویراحمدی، ۱۳۸۴: ۴۹۴ با اندکی تصرف)

۱-۲-۶. گروه ششم: عناصر طبیعی

چیستان‌های این گروه شامل چیستان‌هایی است که به شکل مستقیم یا غیر مستقیم مربوط به عناصر طبیعی همچون کوه، چشمه، دریا، راه، خورشید و... می‌شود. نمونه‌ای از چیستان‌های این گروه:

- چیه که هرچی ایری آ تی نمیری؟

či-ye ke har-či i:-ri a ti: nemi:-ri?

برگردان: چیست که هرچه می‌روی به آخر نمی‌رسی؟

جواب: راه.

۷-۱-۲. گروه هفتم: علوم و معارف

چیستان‌های این گروه شامل تمام علوم و معارف بشری می‌شود. این گروه را باید مهم‌ترین بخش چیستان‌های هر قوم و ملت دانست. در این گروه، چیستان‌ها عمیق‌تر می‌شوند و به سوی گونه‌های زیربنایی حرکت می‌کنند. از این رو اگر بخواهیم وضع علوم، اوضاع اجتماعی، سطح آگاهی و... مردم یک عصر را در چیستان‌های آن عصر مورد مطالعه قرار دهیم باید به سراغ این گروه از چیستان‌ها برویم.

ژرف‌ساخت غالب چیستان‌های این گروه، مسئلهٔ تعلیم و آموزش است و مخاطبان نیز غالباً نوجوانان و جوانان هستند. گاهی نیز برخی از این چیستان‌ها را افراد سالمند برای هم‌سالان خود مطرح می‌کنند که غالباً مربوط به نکات آموزشی جزئی می‌شود. از میان علوم و معارف بشری بیش‌ترین مسایلی که مطرح می‌شود نکات و مباحث دینی و همچنین احکام دین است. هنگامی که نوجوانی به سن بلوغ می‌رسد و باید مسایل دینی را فرا بگیرد و پذیرای آموزش و دریافت علوم شود، این چیستان‌ها می‌توانند نقش سازنده‌ای داشته باشند. نمونه‌هایی از چیستان‌های این گروه:

۱- چیه که ایدونم و نمی‌دونم؟

či-ye ke i-du:n-om-o nemi-du:n-om?

برگردان: چیست که می‌دانم و نمی‌دانم؟

جواب: مرگ. می‌دانم که می‌میرم اما نمی‌دانم چه زمان.

۲- چیه که دو بُجَم و دو نَجَم و دو نجیم؟

či-ye ke do bo-jomm-o do na-jomm-o do naji:m?

برگردان: چیست که دو جنبان و دو ساکن و دو نجیب؟

جواب: دو جنبان: ماه و خورشید، دو ساکن: آسمان و زمین، دو نجیب: امام حسن (ع) و امام حسین (ع).

۳- چیه که یه در داره، دو در داره، هرکه ورنذاره، صُحبتِ خر داره؟

či-ye ke ya dar dâ:r-e, do dar dâ:r-e, har-ka var-naðâ:r-e, so:bat-e xar dâ:r-e?

برگردان: چیست که یک در دارد، دو در دارد، هرکس بر ندارد، صحبتِ خر دارد؟

جواب: آفتابه. هرکس آن را برای طهارت بر ندارد، از انسانیت به دور است.

۴- چیه که همه اییین، خدا نیمبینه؟

či-ye ke hama i-bi:n-en xođâ nim-bi:n-e?

برگردان: چیست که همه می‌بینند، خدا نمی‌بیند؟
جواب: خواب.

۵- چیه که یکی سوارِ دُتائی؟

či-ye ke sovâ:r-e do-ttâ-y?

برگردان: چیست که یکی سوار دوتا است؟
جواب: مجتهدی که از دیگر مجتهدان اعلم‌تر باشد.

۶- چه میشی که مادرش غوچه؟

če miš-i ke mâ:đar-eš ɣu:č-e?

برگردان: چه میشی است که مادرش قوچ است؟
جواب: حوا که از پهلوی حضرت آدم که مرد است زاده شد.

۷- چیه که توش کردن واجب، تکونش داذن مستحب، درآورْدَنش حرومه؟

či-ye ke tu:-š kerdan vâ:job takun-eš dâ:đan mostahab dar-â:vordan-eš haru:m-e?

برگردان: چیست که قراردادن در آن واجب، تکان دادن آن مستحب و بیرون آوردنش حرام است؟
جواب: مُرده. در قبر گذاشتن آن واجب است، تکان دادن آن هنگام تلقین، مستحب است و نبش قبر حرام است.

۸- چه نُمازیه که رُکو نزاره؟

če noməz-i-ye ke roku nađâ:r-e?

برگردان: چه نمازی است که رکوع ندارد؟
جواب: نماز میت.

۱۱- چه نُمازیه که با کفش و سرنجس ایشه بخونی؟

če noməz-i-ye ke bâ kafš-o sar-e nejes i-še bo-xun-i?

برگردان: چه نمازی است که با کفش و نجس بودن می‌شود خواند؟

جواب: نماز میّت.

۸-۱-۲. چیستان‌های منظوم غیر بومی

این دسته از چیستان‌ها که به زبان رسمی هستند، متعلق به گویش لای‌زنگانی نیستند اما بسیاری از گویشوران این روستا آن‌ها را نقل می‌کنند. این چیستان‌ها غالباً در قالب دوبیتی هستند و برخی هم که به صورت تک‌بیت‌اند به احتمال در آغاز، دوبیتی بوده‌اند. جواب برخی از این چیستان‌ها همانند خود چیستان، منظوم و در قالب دوبیتی است. به گفته گویشوران این روستا محیا - که از دوبیتی سرایان بنام ایرانی است - به طرح چیستان می‌پرداخته و شوخ‌حاجی در یک دوبیتی جواب را بیان می‌کرده است. نمونه‌هایی از این دسته از چیستان‌ها:

محیا:

درختی که ری (رو) ریشش ریگ خیزه / نه سایه دارد و نه برگ ریزه
همیشه سبز و خرم در بلندی / یکی می‌خواد بگوید این چه چیزه

جواب شوخ‌حاجی:

اگر محیا تو می‌گیری بهانه / برو منزل بگی بر کنج خانه
جواب شوخ‌حاجی هم همینه / درختی که تو میگی آسمانه

عجایب صنعتی دیدم در این دشت / که بی‌جون از بی‌جون‌دار می‌گشت

جواب: ۱- تفنگ، که بی‌جان است و به دنبال بز کوهی برای شکار است. ۲- سایه انسان که پیوسته با اوست.

عجایب صنعتی دیدم جبینه / خوراکش نعمت و بی‌آب، زنده

جواب: کُو kō (= کرمی که در آرد کهنه پیدا می‌شود)

عجایب صنعتی دیدم من زار / به سر پنج و به تن پنج و نفس چار

جواب: تابوتی که مرده در آن است و چهار نفر آن را حمل می‌کنند.

۳. نتیجه‌گیری

از نظر ژرف‌ساخت می‌توان چیستان‌های گویش لای‌زنگانی را به هفت دسته تقسیم‌بندی کرد. این هفت دسته عبارتند از: ۱- حیوانات ۲- گیاهان ۳- انسان ۴- هنرها و مشاغل انسان ۵- ابزار و صنایع ۶- عناصر طبیعی ۷- علوم و معارف.

چیستان‌های این گویش را از نظر ساختار می‌توان به دو دسته منظوم و منثور تقسیم کرد. تعداد چیستان‌های منشوری که به زبان فارسی معیار باشد در این گویش اندک بلکه انگشت‌شمار است. چیستان‌های منظوم نیز همگی غیر بومی هستند و متعلق به این گویش نیستند. با این که شاعران - به‌ویژه دوبیتی سرایان - در این روستا زیادند اما هیچ یک از این شاعران به طرح چیستان‌های منظوم نپرداخته‌اند.

ژرف ساخت غالب چیستان‌های گروه هفت، مسئله تعلیم و آموزش نوجوانان و جوانان است. گاهی نیز برخی از این چیستان‌ها را افراد سالمند برای هم‌سالان خود مطرح می‌کنند که غالباً مربوط به نکات آموزشی جزئی می‌شود. از میان علوم و معارف بشری، بیش‌ترین مسایلی که مطرح می‌شود نکات و مباحث دینی و همچنین احکام دین است. به‌کارگیری عناصر بومی در چیستان‌های این گویش موجب تفاوت چشم‌گیر آن‌ها با چیستان‌های سایر لهجه‌ها و گویش‌ها شده است.

منابع

کتاب‌ها

- بذرافکن، جلال. (۱۳۸۹)، فرهنگ مردم داریون، شیراز: آوند اندیشه و بنیاد فارس‌شناسی.
- تمیم‌داری، احمد. (۱۳۹۰)، فرهنگ عامه، چاپ پنجم، تهران: مه‌کامه.
- حسینی فسائی، میرزا حسن. (۱۳۸۴)، فارس نامه ناصری، به تصحیح و تحشیه دکتر منصور رستگار فسائی، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۶)، زبان و ادبیات عامه ایران، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه‌ها (سمت).
- رنجبر، حسن و باقری، علیرضا. (۱۳۹۵)، اگر آفتاب بتابد: گزیده‌ای از اشعار محمدحسن باقری (غلمل)، حسن رنجبر و علیرضا باقری، استهبان: سته‌بان.
- رنجبر، حسن. (۱۳۹۸)، عشق: دریچه‌ای به خیال، شیراز: نوید شیراز.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰)، درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان.
- سلامی، عبدالنبی. (۱۳۹۰)، گنجینه گویش شناسی فارس، دفتر ششم، تهران: نشر ناشر.

- شمس قیس رازی، محمد. (۱۳۶۰)، المعجم فی معاییر اشعار العجم، تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی، چاپ سوم، تهران: زوار.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۹)، انواع ادبی، تهران: میترا.
- طاهری بویراحمدی، سیمین. (۱۳۸۴)، فرهنگ عامیانه مردم منطقه کهگیلویه و بویراحمد، جلد اول، تهران: ساورز.
- یآوری، حسین و عابدینی مقانکی، بهاره. (۱۳۸۸)، فرهنگ عامه ۲، تهران: آذر.

مجلات

- امیدسالار، محمود. (۱۳۶۵)، (اصطلاحات فرهنگ مردم در زبان فارسی)، فصلنامه فرهنگ مردم: سال نهم.
- دانایی، فاطمه. (۱۳۹۱)، «چیستان در فرهنگ عامیانه یزد»، فرهنگ یزد، سال سیزدهم، شماره ۴۴ و ۴۵، صص ۵۱ - ۶۷.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۲)، «ریخت‌شناسی چیستان‌های منظوم محلی»، دوفصلنامه فرهنگ و ادب عامه، دوره یک، شماره یک، صص ۹۳ - ۱۱۸.
- رنجبر، حسن. (۱۳۹۴)، «کارکردهای پیشوند «وا» در افعال لای‌زنگانی و تأثیر آن در صرف فعل»، دومین همایش ملی ادب محلی و محلی سرایان ایران زمین.
- رنجبر، حسن و حیدری، حسن. (۱۳۹۴)، «معرفی و بررسی گزیده‌ای از صوت‌ها و آواها در گویش لای‌زنگانی»، اولین همایش ملی بررسی فرهنگ و ادبیات بومی ایران زمین.
- صیادکوه، اکبر و رنجبر، حسن. (۱۳۹۲)، «واژه‌ها و اصطلاحات کم کاربرد باغداری در لای‌زنگان فارس»، فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، سال سوم، شماره دوم، صص ۱۰۱.
- نمیرانیان، کتایون و رنجبر، حسن و حیدری، حسن. (۱۳۹۴)، «واژه‌ها و اصطلاحات دامداری در گویش لای‌زنگانی»، دومین همایش ملی ادب محلی و محلی سرایان ایران زمین.